

صله رحم در قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان و نمونه

فاطمه رهبری^۱

چکیده:

موضوع این نوشتار صله رحم در قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان و نمونه است. و در سه فصل تنظیم شده است. فصل اول به بیان کلیات اختصاص یافته است و بیان مسئله، بیان فرضیه و... در آن نوشته شده است. در فصل دوم ابتدا به معنای صله رحم که مراد از رحم، نزدیکان، بستگان، اقوام و خویشاوندان انسان است، گرچه پیوند خویشاوندی به چند واسطه باشد و مرز صله رحم اشاره شده و پس از آن بیان شده که صله رحم یک ارتباط عمومی است چون ارزش و اهمیت پیوند خانوادگی ایجاب می کند که شامل و فراگیر باشد. و سپس به روش های رسیدگی به خویشان که عبارتند از کمک جانی، کمک مالی، کمک عاطفی و... و دلایل اصالت صله رحم مانند دستور خدا بودن، مقدمه تقوا و... اشاره شده است. تحکیم پیوند خانوادگی نیز آثار بی شماری در پی دارد که برخی از آن ها عبارتند از: زیاد شدن عمر، پاداش بزرگ الهی و... فصل سوم این نوشتار صله رحم در آیات قرآن است که با استفاده از تفاسیر المیزان و نمونه توضیحاتی در مورد معنای آیات بیان شده است. مانند: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» در تفسیر المیزان آمده: از خدا بترسید از این جهت که نزد شما دارای عزت و عظمت است، (عزت و عظمتی که یکی از "شوون" ربوبیت است نه "اصل" ربوبیت) و بترسید از وحدت خویشاوندی و ارتباط رحمی که خدا آن را در بین شما قرار داده، (و معلوم است که وحدت خویشاوندی و رحمی، یکی از شوون و شعبه های وحدت سنخی و نوعی افراد بشر است). پس کلمه "رحم" به معنای نزدیک و ارحام به معنای نزدیکان انسان است، و قرآن شریف در امر رحم نهایت درجه اهتمام را بکار برده است.

واژگان کلیدی:

صله - رحم - قرآن - تفسیر - صله رحم.

^۱ . طلبه سطح سه مرکز تخصصی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

مقدمه :

آدمی زادگان در زندگی خویش، کمابیش به هم‌نوعان خود نیازمندند و انسانیت و اخلاق ایجاب می‌کند که انسان، نیاز هم‌نوع خویش را برآورد و هر خدمتی که از دستش بر می‌آید، از دیگران دریغ ندارد. چنین کاری، هم خشنودی خدا را در پی دارد و هم سبب همبستگی، تألیف قلوب، صفا و صمیمیت و افزایش مهر و محبت می‌گردد

خویشاوندان، ارتباط خونی با هم دارند. شاخ و برگ‌های یک درختند و گل‌های یک بوستان. پس، ارتباطشان هم طبیعی است و قطع رابطه و رفت و آمد میان اقوام، عارضه‌ای ثانوی و یک بیماری اجتماعی و «آفت خانوادگی» به حساب می‌آید و اگر بی‌دلیل باشد، زشت و نارواست. اگر دلیلی هم داشته باشد، قابل رفع و شایسته تجدید رابطه است.

صله رحم به معنای دوستی، محبت و رفت و آمد با خویشاوندان و نزدیکان است. اسلام صله رحم را فرمان خدا می‌داند و کسانی را که با بستگان خود قطع رابطه می‌کنند سخت مورد نکوهش قرار داده است.

اهمیت مباحث اخلاقی به ویژه در قلمرو معاشرت و رفتار خانوادگی و اجتماعی، از استقبالی که از اینگونه بحثها، آثار، تألیفات به عمل می‌آید، بهتر و روشن تر شناخته می‌شود. در نوشتن این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

معنای صله رحم

صله در لغت به معنای احسان و دوستی آمده است و مراد از رحم خویشاوندان و بستگان می‌باشد.^۱ در اصطلاح، صله رحم محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان است.^۲ در شرع مقدس اسلام و آیات و

۱ - عمید، حسن، فرهنگ عمید، واژه صله رحم، جلد ۱

۲-دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، واژه صله رحم

روایات، معنای خاصی برای رَحِم ذکر نشده است. از این جا می توان فهمید که این کلمه نیز مانند سایر کلمات، حمل بر معنای عرفی متداول می شود.

شاید رحم به معنای خویشاوندانی باشد که از طرف پدر و مادر و نیز فرزندان به یکدیگر وابسته اند، هر چند که این وابستگی به چند واسطه باشد. عروه بن یزید از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ»^۴ پرسید. آن حضرت پاسخ داد: مراد از کسانی که خداوند پیوستن به آنان را فرمان داده، خویشاوندان توست.^۵

بنابراین، صله رحم، پیوند با تمام خویشان است، خواه محرم باشند و خواه نامحرم، بدیهی است که خویشاوند هر قدر به انسان نزدیک تر باشد. وظیفه او در حفظ پیوند، شدیدتر و لازم تر است.^۶

خویشاوندان، ارتباط خونی با هم دارند. شاخ و برگ های یک درختند و گل های یک بوستان. پس، ارتباطشان هم طبیعی است و قطع رابطه و رفت و آمد میان اقوام، عارضه ای ثانوی و یک بیماری اجتماعی و «آفت خانوادگی» به حساب می آید و اگر بی دلیل باشد، زشت و نارواست. اگر دلیلی هم داشته باشد، قابل رفع و شایسته تجدید رابطه است.^۷

پیوند با خویشاوندان، از اموری است که مورد توجه و تأکید و هم چنین توصیه اولیای دین قرار گرفته و یکی از واجبات، شمرده شده است. خویشاوندی و فامیل بودن با دیگران، دو گونه است: ۱- نسبی، ۲- سببی.

«خویشاوندان نسبی» پیوند و ارتباطی است که از راه وحدت خون و رحم، پیدا می شود (مانند: پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، خاله، جد، جده و فرزندان آن ها).

۳- سوره رعد، آیه ۲۱ (و آنان که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده، پیوند می دهند).

۴- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۶.

۵- مقدس نیا، محمد، ۱۳۷۹، آداب معاشرت، جلد ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۷- محدثی، جواد، ۱۳۸۴، اخلاق معاشرت، ص ۴۹.

«خویشاوندان سببی» پیوند و ارتباطی است که از طریق ازدواج به وجود می آید (مانند: خویشاوندی میان زن و شوهر و خویشاوندان دو طرف)

ارحام که پیوند با آنان در دین، واجب شده است، خویشاوندی نسبی است نه سببی. هر چند ارتباط صحیح با خویشاوندان سببی نیز امری پسندیده است؛ ولی از واجبات شرعیه نیست.^۸

از جمله فضائلی که مؤمن باید به آن آراسته باشد، تحکیم پیوند خویشاوندی، رسیدگی به بستگان و به تعبیر دیگر «صله رحم» است.

مراد از رحم، نزدیکان، بستگان، اقوام و خویشاوندان انسان است، گرچه پیوند خویشاوندی به چند واسطه باشد. چنانکه نقل شده پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«در شب معراج، کسی را دیدم که از یکی از بستگانش به خداوند شکایت می کند. از او پرسیدم: با چند پدر (واسطه) باهم فاصله دارید؟ گفت: در چهل پشت به هم ارتباط پیدا می کنیم.»^۹

صله رحم، کنایه از نیکی کردن به خویشان نسبی و سببی، عطوفت و مهربانی و رعایت احوال آنهاست.^{۱۰} هرکاری که در عرف معنای پیوند را برساند، «صله» است، هر چند در امر کوچکی مانند ابتدا به سلام یا نیکو جواب دادن آن باشد. قطع رحم نیز یعنی هر امری که در عرف، بریدگی از آن فهمیده شود.^{۱۱}

پیوند خانوادگی و احساسات و عواطف خویشاوندی اصیلترین پیوند بشری است که با کمال تأسف در دنیای امروز بویژه در غرب، بشدت خدشه دار شده و حتی فرزندان خانواده با رسیدن به سن رشد از پدر و مادر جدا می شوند و روابطی سرد و بی احساس دارند، گاهی سالها از یکدیگر خبر ندارند و در مواردی که ملاقات رخ می دهد خیلی سرد با هم روبه رو می شوند گویی همه روزه با هم دیدار داشته اند وقتی خبر مرگ

^۸ - حسینی، سید خلیل، ۱۳۹۰، بهشت اخلاق، ص ۳۷۰-۳۷۱

^۹ - قمی، علی بن بابویه، (شیخ صدوق)، حصال، ج ۲، ص ۳۱۸

^{۱۰} - نهایه، ابن اثیر، ج ۵، ص ۱۹۱

^{۱۱} - دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۱۵۸

پدر و مادر را می‌شنوند غمی در چهره آنان مشاهده نمی‌شود، در مواردی به دلیل دست یافتن به میراث آنها قلباً خوشحال می‌شوند و ... این حال و وضع روابط فرزندان با پدران و مادران است تا چه رسد به روابط میان خویشان درجه دو و سه که دیگر به ندرت خویشاوند محسوب می‌شوند. متأسفانه در اثر هجوم فرهنگ غرب در کشورهای اسلامی نیز تا حدودی شاهد بروز چنین روحیه‌ای به ویژه در تحصیلکردگان غرب هستیم. اما اسلام تأکید زیادی بر تحکیم پیوندهای خویشاوندی و استحکام روابط خانوادگی دارد.^{۱۲}

قرآن مجید مراعات خویشاوندان را در ردیف تقوای از خدا قرار داده می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا».

امام صادق علیه السلام در باره این آیه می‌فرماید: منظور از ارحام در آیه خویشاوندان است که خدا دستور به احترام و ارتباط با آنها داده است، آیا نمی‌بینی که ارحام را با اسم خود مقرون کرده.

و در حدیثی از اوست که مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده عرض کرد یا رسول الله خانواده من جز ستم و نا سزا و قطع رابطه با من کاری نکردند، آیا آنها را ترک کنم؟.

حضرت فرمود: در این صورت خدا هم همه شما را ترک خواهد کرد. عرض کرد: پس چه کنم؟.

حضرت فرمود: هر کس با تو قطع رابطه کرد تو با او رابطه برقرار کن و هر کس تو را محروم کرد تو عطایش کن و هر کس به تو ظلم کرد او را ببخش اگر چنین کنی خدا تو را در مقابل آنان پشتیبانی می‌کند.

و باز می‌فرماید: چیزی جز صله رحم سراغ نداریم که عمر را زیاد کند، تا جائی که کسی که عمرش فقط سه سال است ولی با خویشاوندان رابطه بسیار دارد خدا سی سال به عمرش می‌افزاید و آن را سی و سه سال می‌کند، و کسی که عمرش سی و سه سال است ولی با خویشاوندان قطع رابطه می‌کند خدا سی سال از عمرش می‌کاهد و آن را سه سال می‌کند.

^{۱۲} - یوسفیان، نعمت الله، اخلاق اسلامی، ج ۳، ص ۱۱۶

و آنها که عقل و اندیشه واقعی خود را از دست داده‌اند بیان می‌دارد، و می‌گوید: " و آنها که عهد الهی را بعد از محکم کردن می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا فرمان به برقراری آن داده، قطع می‌کنند، و در روی زمین افساد می‌نمایند، لعنت و مجازات سرای دیگر از آنهاست " (وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ).

و در حقیقت تمام مفاسد عقیدتی و علمی آنها در سه جمله فوق، خلاصه شده است:

۱- شکستن پیمانهای الهی که شامل پیمانهای فطری، و پیمانهای عقلی، و پیمانهای تشریعی می‌شوند.

۲- قطع رابطه‌ها: رابطه با خدا، رابطه با رهبران الهی، رابطه با خلق، و رابطه با خویشان.

۳- آخرین قسمت که ثمره دو قسمت قبل است، فساد در روی زمین است.

کسی که پیمانهای خدا را بشکند، و پیوندها را از هر سو ببرد، آیا کاری جز فساد انجام خواهد داد؟! این تلاشها و کوششها از ناحیه این گروه به خاطر رسیدن به مقاصد مادی، و یا حتی خیالی، صورت می‌گیرد، و به جای اینکه آنها را به هدف ارزنده‌ای نزدیک کند، دور می‌سازد، چرا که لعنت به معنی دوری از رحمت خدا است. جالب اینکه در این آیه و آیه گذشته، دار (خانه و سرا) به صورت مطلق آمده است، اشاره به اینکه سرای واقعی در حقیقت، سرای آخرت است چرا که هر سرای دیگر " البته خلل می‌گیرد!"^{۷۳}

۴- لزوم پرهیز از قطع رحم

«وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»^{۷۴}

« و از خدایی بپرهیزید که همگی به عظمت او معترفید و هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید نام او را می‌برید و نیز از قطع رابطه با خویشاوندان خود پرهیز کنید زیرا خداوند مراقب شماست».

^{۷۳} مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱۰، ص ۱۹۸-۱۹۹

^{۷۴} -نساء، آیه ۱

"وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ" اهمیتی که تقوی در ساختن زیر بنای یک جامعه سالم دارد سبب شده که مجددا در ذیل آیه، مردم را به پرهیزکاری و تقوی دعوت کند منتهی در اینجا جمله‌ای به آن اضافه کرده و میفرماید: "از خدایی پرهیزید که در نظر شما عظمت دارد و به هنگامی که میخواهید چیزی از دیگری طلب کنید نام او را میبرید" سپس میگوید: "و الارحام" - این کلمه عطف بر "الله" است و لذا در قرائت معروف، منصوب خوانده شده است.

بنابر این معنی آن چنین میشود: "و اتقوا الارحام": از خویشاوندان (و قطع پیوند از آنها) پرهیزید و ذکر این موضوع در اینجا اولاً نشانه اهمیت فوق العاده‌ای است که قرآن برای صله رحم قائل شده تا آنجا که نام ارحام بعد از نام خدا آمده است، و ثانیاً اشاره به - مطلبی است که در آغاز آیه ذکر شده و آن اینکه شما همه از یک پدر و مادرید و در حقیقت تمام فرزندان آدم خویشاوندان یکدیگرند و این پیوند و ارتباط ایجاب میکند که شما نسبت به همه انسانها از هر نژاد و هر قبیله‌ای همانند بستگان فامیلی خود محبت بورزید.^{۷۵}

معنای قسمت دوم که مورد بحث است این است که: از خدا بترسید از این جهت که نزد شما دارای عزت و عظمت است، (عزت و عظمتی که یکی از "شوون" ربوبیت است نه "اصل" ربوبیت) و بترسید از وحدت خویشاوندی و ارتباط رحمی که خدا آن را در بین شما قرار داده، (و معلوم است که وحدت خویشاوندی و رحمی، یکی از شوون و شعبه‌های وحدت سنخی و نوعی افراد بشر است).^{۷۶}

وجه اطلاق "رحم" بر خویشاوندان

کلمه "ارحام" جمع کلمه "رحم" است، و رحم در اصل به معنای محل نشو و نمای جنین در شکم مادران می‌باشد همان عضو داخلی که خدای عز و جل در باطن زنان قرار داده تا نطفه در آن تربیت شده و فرزندی تمام عیار گردد، این معنای اصلی کلمه رحم است ولی بعدها به عنوان استعاره و به علاقه ظرف و مظلوف در معنای قرابت و خویشاوندی استعمال شد، چون خویشاوندان همه در اینکه از یک رحم خارج

^{۷۵} مکارم شیرازی، ناصر، ج ۳، ص ۲۴۷-۲۴۸

^{۷۶} طباطبائی، محمد حسین، ج ۴، ص ۲۱۹

شده‌اند مشترکند پس کلمه "رحم" به معنای نزدیک و ارحام به معنای نزدیکان انسان است، و قرآن شریف در امر رحم نهایت درجه اهتمام را بکار برده، همانطور که امر قوم و امت را مورد اهتمام و عنایت قرار داده، چون رحم عبارت است از مجتمع خانوادگی و کوچک، اما قوم و امت مجتمعی است بزرگ، و لذا قرآن کریم این توجه و عنایت را به امر مجتمع بزرگ کرده و آن را حقیقتی صاحب اثر و دارای خواص دانسته است.^{۷۷}

نتیجه:

سنت «صله رحم» از نیکوترین برنامه های دینی در حیطه معاشرت است. گرچه شکل نوین زندگی و مشغله های زندگی های امروزی، گاهی فرصت این برنامه را از انسان ها گرفته است، ولی حفظ ارزش های دینی و سنتهای سودمند و ریشه دار دینی، از عوامل تحکیم رابطه ها در خانواده ها است. به ویژه در مناسبت های ملی، در اعیاد و وفیات و آغاز سال جدید، فرصت طبیعی و مناسبی برای عمل به این «سنت دینی» است.

^{۷۷} همان، ص ۲۱۹-۲۲۰

فهرست منابع :

- ۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰)، غررالحکم و درالکلم، تصحیح سیدمهدی رجائی، قم: دارالکتب اسلامیة .
- ۲- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم)، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
- ۳- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، (بی تا)، اصول اخلاق اجتماعی، جلد ۱، (بی جا).
- ۴- جزری، ابن اثیر، (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث والاثر، تحقیق محمد محمود طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۵- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه، ۲۰ جلد، تحقیق محمد رازی، قم: دارالکتب الاسلامیه
- ۶- حسینی، سیدخلیل، (۱۳۹۰)، بهشت اخلاق، قم: مسجد مقدس جمکران.
- ۷- خوانساری، جمال الدین، (۱۳۶۶)، شرحی بر غررالحکم و درالکلم، تحقیق جلال الدین حسینی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- دستغیب شیرازی، عبدالحسین، (بی تا)، گناهان کبیره، ۲ جلد، تهران: صبا.
- ۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا.
- ۱۰- شبیر، عبدالله، (۱۳۷۸)، اخلاق، ج ۱، (چاپ چهارم)، قم: هجرت.
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، (چاپ: پنجم)، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
- ۱۲- عمید، حسن، (۱۳۶۰-۱۳۶۲)، فرهنگ عمید، ۲ جلد، تهران: امیرکبیر.

- ۱۳- قمی، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (بی تا)، خصال، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: کتابچی.
- ۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، (چاپ اول)، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- ۱۵- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، تصحیح برخی از محققان، بیروت
- ۱۶- محدثی، جواد، (۱۳۸۴)، اخلاق معاشرت، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۱۷- مقدس نیا، محمد، (۱۳۷۹)، آداب معاشرت، (چاپ سوم)، قم: افق فردا.
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۶)، تفسیر نمونه، ۲۷ جلد، (چاپ سی و دوم)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۹- یوسفیان، نعمت الله، (۱۳۷۶)، اخلاق اسلامی، ج ۳، (چاپ اول)، قم: اداره آموزش های عقیدتی، سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.